انحرافات جنسی جوانان

و

راه‌های علاج آن با استفاده از قرآن و سنت

مؤلف:

احمد شادی

مترجم:

ماجد احمد یانی



سنی بوک ـ کتابخانه مجازی اهل سنت

www.SunniBook.net

فهرست

بسم الله الرحمن الرحیم

کتابی که پیش روی خوانندگان عزیز قرار دارد، ترجمه‌ی کتاب (**الإنحرافات الجنسي عند الشباب وطرق علاجها من القرآن والسنة**) اثر استاد احمد شادی می‌باشد.

با توجه به این که این ترجمه اولین اثر مترجم می‌باشد، لذا از نوشتن مقدمه خودداری و به جای آن چند نکته را در خصوص کتاب تقدیم خواهم نمود.

1- نظر به اولین کار مترجم، قطعاً بدون اشکال و خالی از عیب نخواهد بود.

لذا هرکسی به هر نحوی ما را رفع اشکال و یا دادن تذکر و نصیحت برای چاپ‌های بعدی و یا احیاناً ترجمه‌های آتی یاری نماید، موجب تشکر و امتنان خواهد بود.

2- در ترجمه‌ی متون سعی شده که عین عبارات عربی ترجمه گردد و در آن دخل و تصرفی صورت نگیرد، مگر در مواردی بسیار اندک که ترجمه‌ی عین لفظ عربی گویای مطلب نباشد.

3- در ترجمه‌ی آیات از تفسیر نور نوشته‌ی دکتر مصطفی خرم‌دل استفاده شده است.

4- ضمناً از دوست و برادر گرامی جناب آقای رسول ابوالمحمدی که با تشویق ایشان این کار را شروع و به پایان رساندم، نهایت سپاس و تشکر را دارم.

5- و در پایان این ترجمه را به جوانان عزیز مخصوصاً شاگردانم در مدارس سطح شهر سقز که همیشه دلم به یادشان می‌تپد، تقدیم می‌نمایم. امیدوارم که موجب رضای خدا و استفاده‌ی خانواده‌ها و نیز جوانان گردد.

ماجد احمد یانی- تابستان 82 سقز

مقدمه‌ی مؤلف

بعد از سپاس و ستایش خداوند سبحان و درود و صلوات بر فرستاده‌اش و ایمان به یگـانگی ذات مبارکش و ایمان به رسالت رسولانش.

و اما بعد:

در این روزگار که انواع و اقسام فتنه‌ها و وسـایل و امکانـات لهـو و لعـب و سـرگرمی و فساد را در دریا و خشکی ترویج کرده اند؛ از فراوانی انحرافات جنسی میـان جوانـان و غیـر جوانان می‌شنویم، چیزهایی می‌شنویم که هیچ صاحب عقلی و هیچ انسان متدین با اخلاقـی آن را تأیید نکرده و به آن راضی نم‌شود.

امروزه جوانان در محدوده‌ای فارغ از دین و اخلاق زندگی می کنند. مسیری را در پیش گرفته اند که سراسر پوچی و سرگردانی است، (مسیری که در آن هـیچکس حاضـر نیسـت دست دیگری را بگیرد و به سوی نور و روشنایی ایمان هدایت می کند). هدایتی که خداوند عزوجل برای بندگانش مقرر فرموده است.

مشکل و مسأله‌ی اساسی نزد جوانان همان انحرافات جنسی است که بعضی مـی‌پندارنـد راه حل و چاره‌ای بـرای آن نیسـت. (امـا بایـد گفـت) کـه راه حـل در کتـابِ خـداو سـنت پیامبرش موجود است و اگر بخواهیم در خصوص این مشکل که به نظر می‌رسد راه حـل و چاره‌ای ندارد؛ اظهار نظر نماییم لازم است که به کتاب خدا و سنت رسولش باز گردیم که به یاری پروردگار متعال راه حل کافی و دوای شافی را در آن خواهیم یافت.

و اما دستیابی به راه حل باید که از اساس و زیر بنا آغاز کنیم تا پایه و اساسـی محکـم و استوار داشته باشیم. پس باید اول از همه چیز در مورد اسباب و دلایل انحرافـات و راه هـای نجات از آن در پرتو کتاب خدا و سنت پیامبرش ρ جستجو کنیم.

وقتی به این مسأله می‌نگریم، می‌بینیم که شامل سه مرحله است:

1- **مرحله‌ی اول:** و آن از سن 2 یا 3 سالگی شروع و تا سنّ بلوغ ادامه می‌یابد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿[illegible]﴾ (سوره‌ی نور، آیه‌ی 58).

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید؛ باید بردگان شما و همچنین کودکان‌تان به حد بلوغ نرسیده اند (ولی مسائل جنسی و عورت و غیر آن را تمییز و تشخیص می‌دهند؛ به هنگام ورود به اطاق‌های خواب مردان و همسران) در سه وقت اجازه بگیرند».

2- **مرحله‌ی دوم:** و آن بعد از سن بلوغ است، آنچنان که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿[illegible]﴾ (سوره‌ی نور، آیه‌ی 27).

ترجمه: «ای مؤمنان! وارد خانه‌هایی نشوید که متعلق به شما نیست، مگر بعد از ایجازه‌گرفتن (با زدن زنگ یا کوبیدن در و کارهایی جز اینها) و سلام‌کردن بر ساکنان آن؛ این کار برای شما بهتر است (از ورود بدون اجازه و سلام) امید است شما (این دو چیز را به هنگام رفتن به منازل دیگران رعایت و آنهار) را مدّ نظر داشته باشید».

3- **مرحله‌ی سوم:** و آن شامل دوران کودکی و بزرگسالی می‌شود، چون خداوند متعال می‌فرماید: ﴿[illegible]

▭❍●←☠⇗ ▤ ◑⌫♌☐ ✄✍✎▲ ⌘⌧⌨⌫❷❸⌨ ✉⌫☺⌧✍
③♦⏲⇔✡☐➔⇖❑♌♦ ⇗⇖⌧⇖ ﴿(سوره‌ی نور، آیه‌ی 30).

ترجمه: «(ای پیغمبر) به مردان مؤمن بگو (آنان موظفند کـه از نگـاه بـه عـورت و محـل زینت نامحرمان) چشمان خود را فرو گیرند و عورت‌های خویشتن را (بـا پوشـاندن و دوری از پیوند نامشروع) مصون دارند، این برای ایشان زیبنده‌تر و محترمانـه‌تـر اسـت، و بـی‌گمـان خداوند از آنچه می‌دهید آگاه است (و سزا و جزای رفتارشان را می‌دهد)».

این نوشتار که پیش دسـت خواننـدگان عزیـز قـرار دارد، از مهـم‌تـرین اسـباب و دلایـل انحراف در مرحله‌ی اول که از سنین 2 و 3 سالگی تا دوران بلوغ می‌باشد، بحث می‌کند.

فصل اول

اسباب و دلایل انحرافات جنسی و راه‌های علاج آن

الف: **دلیل اول:** آموزش ندادن آداب استئذان (اجازه‌ی ورود خواستن) به کودکانی که به سن بلوغ نرسیده اند، آنچنان که در سوره‌ی مبارکه‌ی نور آمده است.

ب: **دلیل دوم:** جدا نکردن بسترِ خواب کودکان از همدیگر؛ طبق فرمایش رسول خداρ.

ج: **دلیل سوم:** خوابیدن یکی از فرزندان در اطاق خواب والدین بعد از سن 2 و 3 سالگی.

اگر از این دلایل سه‌گانه چشم‌پوشی کنیم، و از آن غافل شویم؛ جوانان (در آینده) در منجلاب انحرافات جنسی خواهند افتاد، و این مسأله از مهم‌ترین مسائلی است که دشمنان اسلام و دشمنان بشری از راه‌ها و با استفاده از وسایل گوناگون توانسته اند، جوانان ما را به سوی این جریان فاسد سوق دهند و این کار را با تمام توان با ویران‌کردن آداب و اخلاق و دوری از دین؛ و با هر وسلیه یا اسلحه‌ی گمراه‌سازی که ویرانگر اخلاق و آداب و دین باشد؛ انجام داده اند.

و آیاتی که پیش روی ماست به ما می‌آموزند که چگونه خانواده‌ای با آرامش اعصاب و روان و دارای احساس پاك و نیت خالص، قلب سلیم و صاحب افکار ناب و پاکیزه تربیت کنیم.

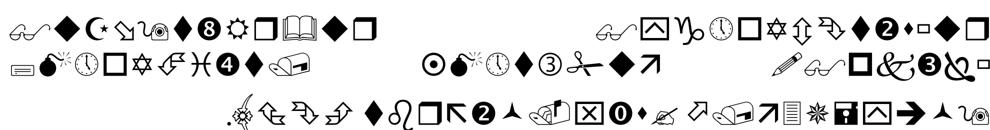
این آیات دست ما را بر روی راه حل نهایی برای این مسأله‌ی دشوار و جدی می‌گذارد، بیاید باهم اولین راه حل را برای این مسأله از خلال کلام خداوند عزّوجل بخوانیم:

1- **راه حل برای دلیل اول:** که عبارت بود از این که کودکانی که به سن بلوغ نرسیده‌اند، آداب استئذان (اجازه خواستن) را آنچنان که در سوره‌ی نور ذکر شده نیاموخته

اند، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿[illegible]﴾ (سوره‌ی نور، آیه‌ی 58).

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید، باید بردگان شما و همچنین کودکان‌تان که به حد بلوغ نرسیده اند (ولی مسائل جنسی و عورت غیر آن را تمییز و تشخیص می‌دهند، به هنگام ورود به اطاق‌های خواب مردان و همسران) در سه وقت اجازه بگیرند، پیش از نماز صبح، و در نیم روز هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را درمی‌آورید و بعد از نماز عشاء (این اوقات) سه وقت (ویژه‌ی خلوت و آشکارشدن) عورت شماست، بعد از این سه وقت بر شما و آنان گناهی نیست، بدون اجازه وارد شوند (آنان خدمتکاران و کوچکان شما هستند و مشکل است هربار در سایر اوقات اجازه بگیرند) ایشان دور و بر شما در رفت و آمدند و شما نیز دور و برایشان در رفت و آمدید (و با صفا و صمیمیت خانوادگی به یکدیگر خدمت می‌نمایید) اینگونه (صریح و روشن) خداوند آیات را برای شما توضیح و تبیین می‌کند (تا خویشتن را در پرتو احکام قرآنی متأدب به اخلاق اسلامی کنید)».

این آیه از آیات سوره‌ی مبارکه‌ی نور می‌باشد. سوره‌ای که طی آن خداوند بر ما واجب نموده (این آداب را) بیاموزیم و بیاموزانیم. بطوری که در ابتدای سوره می‌فرماید: ﴿[illegible]



ترجمه: «(این) سوره‌ی مهمی است که ما آن را وحی کرده ایم (و احکام) آن را واجب نموده ایم، و آیه هـای واضـحی و (دلایـل روشـنی کـه دالّ بـر قـدرت و یگـانگی یـزدان و آسمانی‌بودن قرآنند) در آن فرو فرستاده ایم تا این که پند بگیرند».

(راستی) چرا خداوندِ متعال به مؤمنان دستور می‌دهد که آن را یاد بدهند و (یاد گیرند)؟

چون این سوره بسیاری از مسائل اخلاقی و آدابی که اکثر مردم از آن دور گشته انـد، را حل می کند «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آَمَنُوا** ...» ای کسانی ایمان دارید که خداوند پروردگـار اسـت و اسلام دین شماست، و محمد پیامبر و رسول می‌باشد، به خدمتکاران و فرزندان‌تان تا زمـانی که به سن بلوغ نرسیده اند این آداب گرانقیمت و ارزشمند را بیاموزیـد. یعنـی ایـن آداب و دستورات مخصوص خدمتکاران و فرزندانی است که به سن بلوغ نرسیده اند.

بنابراین، سن بلوغ کدام است؟ آیات قرآنکریم به این مهم اشاره کرده اند. آنجا که می‌فرماید: ﴿[illegible] ...﴾ (سوره‌ی نور، آیه‌ی 59).

یعنی: کودک به مجرد احتلام (دفع ناگهانی شهوت در حال خواب یا بیداری) به سن بلوغ می‌رسد و مکلف می‌شود، فقها همگی بر این مطلب اتفاق نظر دارند که هرگاه کودک احتلام شد، بالغ شده و دیگر کودک نیست و نیز کنیز و دختر (زاد) هرگاه احتلام شدند و (خون حیض از آنان جاری گشت) یا توانایی حاملگی را کسب کردند، بالغ شده و به سن تکلیف رسیده اند و این مطلب مورد اتفاق همگی فقها بوده و در آن هیچکس اختلاف ندارد، اما فقها بر مقدار سنی که در آن انسان به سن تکلیف می‌رسد، اختلاف نظر دارند. و در این خصوص دو نظریه وجود دارد:

1- فقهای حنفی‌مذهب معتقدند که کودک تا زمانی که 18 سال را تمام نکرده باشد، به سن تکلیف نمی‌رسد.

2- ولی فقهای شافعی و حنبلی‌ها بر این باورند که پسر یا دختر وقتی که به سن 15 سالگی رسید، دیگر بالغ شده و به سن تکلیف رسیده است.

و هرکدام برای نظریه‌ی خود دلایلی دارند. به هرحال سن بلوغ چه 18 سال یا 15 سال باشد و چه یکی از نشانه‌های بلوغ مانند: رویش مو و ریش و سبیل برای پسران و برجستگی پستان‌ها یا حیض برای دختران باشد، عامل اساسی همان احتلام است، همچنانکه خداوند سبحان در این ایه به واژه‌ی «الحلم» اشاره می‌فرماید.

پس بر اولیای امر لازم است که فرزندان را قبل از رسیدن به سن بلوغ، آداب اجازه‌گرفتن بیاموزند و این آداب در سه وقت است.

الف: وقت اول ﴿[illegible]﴾ قبل از نماز صبح.

چون در این هنگام مردم در لباس خواب به سر می‌برند و چه بسا پدر یا مادر در این موقع در ظاهری غیر معمول می‌باشند، یا لباسی غیر از لباس خواب به تن دارند.

و (ممکن است) بعضی از اعضای بدن نمایان باشد و یا در حالتی غیر معمول همچون هم آغوشی (با همسر) و غیره بسر برند، برای روشن‌ترشدن مطلب به این نمونه توجه کنید: «روزی با یکی از دوستان صحبت می‌کردم، او نیز از یکی از دوستانش برای من نقل کرد که در هنگام همبستری با همسرش ناگهان در اطاق باز شده و پسرش بالای سرشان ظاهر شده است».

این مسأله واقعاً مشکل و آزاردهنده است، باید دید که چرا چنین حالت مشکلی پیش آمده است؟ اگر چنین حالتی برای شما پیش آید و شما به جای این پدر باشید، چه احساسی خواهید داشت، و چه خواهید کرد؟ پس مقصر (اصلی) پسر نیست، بلکه پدر است که

آداب اجازه‌گرفتن را قبل از ورود، در این اوقات به او نیاموخته است، آموزش این آداب مانع ظهور و پیدایش آثار زشتی که در ذهن این پسر یا دختر بوجود می‌آید، می‌شود و این آثار هنگامی که به سن بلوغ رسید به صورت ترس و افسردگی شکننده ظاهر شده و در اعماق ذهنش نفوذ می‌کند (و فکر و ذکرش) را به خود مشغول می‌کند و به آن میل جنسی می‌گویند.

ب: وقت دوم ﴿❒◆■♉✓×♦ ✍•♓•➔⇖❑♌♦ ⚐♉⓿◆✍✍♦▤⇗☠ ✌♓♉♊⌘ ✃✍✍♒➔⅄♑♐❷❸◆□♉﴾ و هنگام ظهر که لباس‌های (معمولی) از تن بیرون می‌آورید.

و این هنگام وقت خواب نیم‌روز است. هنگامی که پدر و مادر در حال خواب (و استراحت) نیمروز به سر می‌برند و (احتمالاً) بدلیل استراحت و گرمای هوا لباس‌های (معمولی) را از تن بیرون می‌آورند و یا اصلاً لباس به تن ندارند.

ج: وقت سوم ﴿❒◆✌♉♊✍ ✍♦➔⇗⑨♉ ◷✾▣■❑▤□♉ ✃✍✍♒♎➔♉⌖♦✍✍✐⇗♉﴾ بعد از نماز عشاء.

و آن هنگامی است که پدر و مادر لباس‌ها را از تن بیرون آورده و خود را برای خوابیدن و استراحت مهیا می‌نمایند، پس این لباس‌ها (لباس‌های خواب) یا نازک هستند، یا قابلیت پوشاندن اعضای بدن را ندارند، در نتیجه قسمتی با چیزی از عضای بدن والدین ظاهر و نمایان شده و یا طوری است که جایز نیست کسی آنان را در چنین حالتی ببیند.

لازم است که فرزندان‌مان را که هنوز به سن بلوغ نرسیده اند، آموزش دهیم تا در این اوقات سه‌گانه (در شبانه روز) قبل از ورود بر ما اجازه بگیرند، چون این اوقات، اوقاتِ عورت نامیده می‌شوند. چنانکه خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿⚐❒▣■◷✾⇠ ⇖♦❑⇗❻◆◷☠▭ ♒⅄▤⇗☠⇗﴾ این سه وقت (ویژه‌ی خلوت و آشکارشدن) عورت شماست.

پس لازم است که فرزندان پدر و مادر خود را در نیکوترین شکل از اشکال عفت و پاکدامنی مشاهده نمایند، به گونه‌ای که ذره‌ای به حیا و ادب خدشه وارد نشود، و نباید هیچگاه عورت پدر یا مادر جلو فرزندان آشکار شوند.

و این دستور والای اسلامی که بسیاری از پدران و مادران از آن غافل و بی‌خبرند، تأکید می‌کند که غلامان و خدمتکاران و کنیزان نباید چشم به عورت خانم خانه بدوزند، و همچنین کودکان خردسال نیز نباید اقدام به چنین مشاهداتی بنمایند.

سبحان الله! بعد از گذشت چهارده قرن از نزول این آیات، دانشمندان علم روانشناسی اقرار می‌کنند، به این که مناظری که کودکان در کودکی به آن چشم می‌دوزند (در آینده) بر زندگی‌شان تأثیرگذار بوده و موجب تغییرات شخصیتی در آنها می‌شود و در شکل‌گیری شخصیت آنها مؤثر خواهد بود.

همچنین دانشمندان علم روانشناسی تأکید می‌کنند که چنین مناظری که کودکان در کودکی به آنها می‌نگرند موجب ناراحتی‌های روحی و عصبی می‌گردد که رهایی از آنها مشکلی است، پس با این وصف کدامیک می‌خواهید فرزندش به چنین ناراحتی‌ها و امراضی مبتلا گردد؟

بنابراین، بر ما لازم است که به راه حل و چاره بیندیشیم و به آنها بیاموزیم که در این اوقات سه‌گانه قبل از ورود بر ما اجازه بگیرند.

اگر از این دستورات مهم اسلامی غفلت ورزیم، اولین سبب انحراف جنسی جوانان بعد از سن بلوغ را موجب شده ایم، و اینچنین است که مظاهر این انحرافات در روزگار ما در بسیاری از خانواده‌ها به دلیل غفلت پدر و مادرها از این دستورات گرانبها که خداوند به ما امر کرده به چشم می‌خورد.

پیامبر گرامی اسلام ρ و یاران پاک و پاکدامن او که بر سفره‌ی انوار محمدی تربیت یافته اند، بهترین نمونه و الگو می‌باشند.

روزی یکی از زنان اصحاب نزد معلم امت، حضرت محمد ρ رفت تا در خصوص امری از ایشان سؤال نماید. بنگریم که از چه چیزی سؤال کرده است؟

روایت شده که اسماء دختر ابی مَرثَد خدمتکاری بزرگ‌سال داشت. (روزی) خدمتکارش در وقتی که نباید وارد می‌شد بر او وارد شد. پس اسماء نزد پیامبر ρ آمد و گفت: «براستی خدمتکاران و غلامان ما در اوقاتی بر ما وارد می‌شوند که ما دوست نداریم (در چنین وضع و حالتی ما را مشاهده نمایند)» به این دلیل بود که اسماء نزد پیامبر اسلام ρ رفت و بلافاصله راه حل و علاج از آسمان نازل شد و خداوند فرمود: ﴿③♦◑✵♗❒③⑩♑⊠✍ ✁✍✍⅄⍾♉⇦▫✈ ⇗◆✁✌♦⇿⇖❑✁☎
⊚♈♉⑩◆○⇔✌♦★⍂⓿✈☼☰⇗☠⇖ ✁✍✍⅄⍾♉⇦×♦ ✌♦◘■☰♦☀♁⇕
⊚♈♦⚐⇔ ❒◆✁✍✍⅄⍾♉⇦×♦ ⊚❒③⇙☺⊠◑⇿⇖☰⇗⚐⇔
⊚♉⇿☰⇗⚐⇔ ✁✍✍⊑⇘♦⇐◘➔☠⌘ ③♦⌨◰◘➔⇔⇗❑✁☎
⚐❒◘■◑❅⊠✌♦❷▪◑☠▭﴾ (سوره‌ی نور، آیه‌ی 58).

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید، باید بردگان شما و همچنین کودکان‌تان که به حد بلوغ نرسیده اند (ولی مسائل جنسی و عورت و غیر آن را تمییز می‌دهند، به هنگام ورود به اطاق‌های خواب مردان و همسران) در سه وقت اجازه بگیرند».

و این امر از موقع نماز صبح (فجر) شروع می‌شود.

و در روایتی از مقاتل بن حیان نقل شده است که گفت: «به ما گفتند که مردی از انصار و همسرش (اسماء بنت ابی مرثد) غذایی برای پیامبر درست کرده (او را به سر سفره‌ی طعام دعوت کردند) اسماء گفت: ای پیامبر خدا چه چیزی از این زشت‌تر است که مردی با همسرش در زیر یک لحاف باشند و غلام‌شان بدون اجازه بر آنان وارد شود؟ پس این آیات نازل شد. و این مورد تنها کافی نیست، بلکه روایت شده که روزی هنگام ظهر رسول خدا ρ غلامی از انصار را که «مدلج» نام داشت نزد فاروق اعظم حضرت عمر بن خطاب τ فرستاد تا او را دعوت نماید.

حضرت عمر τ در آن موقع خوابیده بود و در را به روی خود بسته بود، غلام در زد و (بلافاصله) وارد شد. حضرت عمر τ از خواب بیدار شد و نشست، در حالی که قسمتی از بدنش نمایان بود، حضرت عمر τ در این حال گفت: «دوست دارم که خداوند فرزندان و خدمتکاران ما را از ورود بدون اجازه در اینچنین اوقاتی نهی می‌فرمود». این را فرمود و به سوی پیامبر ρ راه افتاد، به محض این که به خدمت پیامبر رسید آیه‌ی 58 از سوره‌ی نور از زبان پیامبر شنید که تازه نازل شده بود.

پس بر زمین افتاد و سجده ی شکر به جای آورد، و این واقعه هنگام ظهر بود، موارد زیادی وجود دارد که وحی موافق رأی و نظر حضرت عمر τ نازل شده باشد، و از اسباب نزول این آیه همچنین از ابن حاتم و او نیز از سدی روایت کرده است که گفت: از یاران رسول خدا ρ مردمانی بودند که به همبستری با همسران‌شان در این مواقع افتخار می کردند، پس غسل کرده برای ادای فریضه‌ی نماز خارج می‌شدند، خداوند متعال به آنان امر فرمود که کنیزان و خدمتکاران و فرزندان خود را امر کنند که در اینگونه مواقع برآنان وارد نشوند، مگر این که اجازه بگیرند.

(این مطالب که بیان شد) بیان‌کننده‌ی اولین دلیل از دلایل انحرافات جنسی نزد جوانان است که موجب می‌شود، فرزندان والدین را در وضعی ببینند که به حجب و حیا خدشه وارد می کند، یا این که عورت یکی از والدین خود را مشاهده نمایند. بنابراین، واجب است که پدر و مادر در ظاهری متین و پرهیزگارانه که نمایانگر عفاف و پاکی باشد در جلو فرزندان ظاهر شوند تا مایه‌ی ادب و سرمشق و الگوی حسنه باشند.

دلیل دوم: خوابیدن کودکان باهم در یک بستر

اگر بخواهیم از این موضوع چیزی بدانیم و از اهمیت آن شناخت پیدا کنیم، لازم است که به سنت نبوی ρ مراجعه نماییم، آنجا که پیامبر می‌فرمایند: «**مُرُوا أَوْلاَدَكُمْ بِالصَّلاَةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعٍ وَاضْرِبُوهُمْ وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرٍ وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ**».

ترجمه: «فرزندان‌تان را در سن هفت سالگی به نمازخواندن امر کنید، اگر به سن ده سالگی رسیدند از انجام نماز سر باز زدند آنان را به خاطر این سرپیچی بزنید (تنبیه کنید) و بسترهایشان را از همدیگر جدا سازید».

پیامبر گرامی ρ که خود اولین معلم این امت است به ما امر می‌فرماید که فرزندان‌مان را از سن هفت سالگی به نمازخواندن عادت دهیم، تا بر اثر تکرار و تمرین بصورت ملکه و عادت درآید، و چون به سن ده سالگی رسیدند باید آنان را با احکام نماز آشنا سازیم، اگر در سن ده سالگی از انجام نماز سرباز زدند (فقط به خاطر ترک نماز) باید آنان را زد.

بنابراین، کودک که در سن هفت سالگی است بدون اکراه و از سر مهربانی دستور پدر و مادر را می پذیرد و توجیه و عادت دادنش به انجام دستورات عبادی از جمله نماز از طرف اولیاء بسیار آسان است و اگر به این کارها در کودکی عادت کند در سن ده‌سالگی و از آن به بعد نیز برایش سهل آسان است.

اگر کودک در سن ده سالگی و بعد از آن نماز را ترک کند، بدون آن که اولیاء او را امر به انجام‌دادن آن نموده باشند، در این صورت نباید فرزند را سرزنش کرد، بلکه باید اولیاء را مورد طعن و سرزنش قرار داد که به وظیفه‌ی خود عمل ننموده اند.

پیامبر گرامی اسلام ρ خطاب به ابی هریره τ فرمود: «**يا أبا هريرة! مُرّ أهْلَكَ بالصلاة فإن اللهَ يأتيك بالرِّزق مِنْ حيثُ لَمْ يحتسب**».

ترجمه: «ای اباهریره! خانواده‌ات را به نماز امر کن (پس اگر چنین کردی) خداوند روزی تو را از (دری) می‌رساند که فکرش را نمی کنی».

و مؤید این فرموده‌ی پیامبر کلام خداوند متعال است که فرمود: ﴿❐◆🕮▫✎⇖❷⬀ 🕮❐♎⬀■▣■⌧ ⌧❐✍✍⌧⚲⬀⊘⊘⊘⊘◯◉■❏🗐❐⌧ ❐◆⊱⊘⊘⊘⇧➲◆⊘⊛❸⬀ ⇘◆▣■❸⬀&❐⊘ ☎ •• ♦■◯⇔★◆▣➔▣⌧ ❻⌧⊘⇘⊕✽⊘ ☎ ✞✦◆⇘♊←

[illegible] ﴾ (سوره‌ی طه، آیه‌ی 132).

ترجمه: «خانواده‌ی خود را به گزاردن نماز دستور بده (چرا که نماز مایه‌ی یاد خدا و پاکی و صفای دل و تقویت روح است) و خود نیز بر اقامه‌ی آن ثابت و ماندگار باش. ما از تو روزی نمی‌خواهیم، بلکه به تو روزی می‌دهیم. سرانجام (نیک و ستوده) از آن (اهل تقوی) و پرهیزگاری است».

هرگاه که امر کردن خانواده به نماز سبب گشایش رزق و روزی است، پس وای بر تو و خانواده‌ات؛ در دنیا و آخرت اگر آنان را امر نکنی.

به فرمایش خداوند سبحان گوش جان بسپار که می‌فرماید: ﴿ [illegible] ﴾ (سوره‌ی مریم، آیه‌ی 59).

ترجمه: «بعد از آنان فرزندان ناخلفی (روی کارآمدند و در زمین) جایگزین شدند که نماز را (ترک کردند و بهره‌مندی از آن را) هدر دادند و بدنبال (لذایذ و) شهوات راه افتادند و (مجازات) گمراهی خود را (در دنیا و آخرت) خواهند، نماز را ضایع کردند و به خانه‌های خدا (مساجد) نزدیک نشدند».

در حالی که مؤذن الله اکبر می‌گوید، آنان بدنبال خوشگذرانی و لهو و لعب و کارهای بیهوده و پیروی از هوای نفس می‌باشند، و آنگاه که بندگان ایماندار خدا و جوانان مسلمان و مطیع فرمان خداوند در خانه‌های خدا هستند آنان در اماکن و مراکز لهو و لعب و فساد مشغول چریدن و خوشگذرانی هستند، پس نماز را ضایع می‌گردانند و از هواهای نفسانی پیروی می‌کنند.

پس ای پدر و ای مادر! (اگر سهل‌انگار باشی، و فرزندت را خوب تربیت نکنی) وای برتو که جایگاهت در جهنم محلی است به نام «غیّ» و این به تنهایی کافی نیست، بلکه

خداوند می‌فرماید: ﴿❒◆✎◆♊⇕ 🕮❒⇱⇕❷◆♦⋎◆ ⇱◆♊ ❶♉📄⇩❷▓❽ ▫•✉♉♌❒ ✐•🕮⇱➀ ✎◆➔♉➉⌖◆❒☪ ⬀✿✡▤☪🔔 ❒◆✞•◆⬂⌖➔❷⇱■🡐➀ ③◆❒⬃✈◆ ⊁☙☙⬂☽♉➉◆➀☺⌂❒♉ 🕮❒⇱⇕☺⌂❻▤ ⬀☙✗⬉⬁⬂﴾ (سوره‌ی طه، آیه‌ی 124).

ترجمه: «و هرکه از یاد من روی بگرداند (و از احکام کتاب‌های آسمانی دوری گزیند) زندگی تنگ و (سخت و گرفته‌ای) خواهد داشت (چون نه به قسمت و نصیب خداداری قانع خواهد شد و نه تسلیم قضا و قدر الهی خواهد گشت) و روز رستاخیز او را نابینا (و عرصه‌ی قیامت گسیل و با دیگران در آنجا) گرد می‌آوریم».

فقر و تنگ روزی در دنیا کوری نابینایی در آخرت. چون بالاتر و والاتر از نماز عبادتی نیست و اینچنین انسانی بالاترین و والاترین ذکر را ترک و ضایع کرده است. پس انسان با ترک نماز در دنیا در تنگ روزی دائم به سر خواهد برد و آیا از انحراف جنسی جوانان سیه‌روزی و تنگ‌روزی بزرگتر بازهم پیدا می‌شود؟

در نتیجه؛ دلیل دوم مطابق فرمایش پیامبر گرامی ρ (و راه حلی که ارائه فرموده اند) این است: «**وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ**» و (کودکان‌تان) را در بسترها از هم جدا کنید.

جدایی و به تنهایی خوابیدن کودک در بستر امری مهم و بسیار خطیر است، و با سهل‌انگاری و ساده‌انگاشتن این امر موجبات انحراف جنسی و اخلاقی در آینده پدیدار می‌گردد.

استاد محمود مهدی استانبولی در کتاب «تحفه العروس» به این مطلب اشاره کرده است که عین عبارت به این شرح است: «جداکردن بستر خواب فرزندان در سن ده‌سالگی یک دستور اسلامی است که متأسفانه بسیاری از آن غفلت ورزیده اند، و با کمال تأسف فردی اعتراف کرد که دراثر اهمال و سهل‌انگاری این دستور و سنت نبوی ρ دختر خاله و پسر خاله اش (خواهر و برادر) باهم مرتکب عمل ناشایست .... شده اند».

امام ابن حزم در کتاب «طوق الحمامه» آورده است که «از زن عربی که از نزدیکانش حامله شده بود، پرسیدند آن چیست که در شکم داری؟ در جواب گفت: این نتیجه‌ی نزدیکی بالین و بسترهای خواب است»، این فاجعه (و نظایر آن) از اثرات خوابیدن کودک در اطاق خواب پدر و مادر و یا خوابیدن در بستر مشترک با نزدیکان است.

پس جای خود دارد که در حکمت دوراندیشی پیامبر گرامی ρ اندیشه کنیم که با چه دقت و درایتی دستور به جدایی فرزندان در بسترهای خواب داده است.

بنابراین، لازم است که بستر خواب پسران از هم جدا باشد تا منجر به عمل زشتِ لوط (همجنس بازی) نگردد. و نیز بستر خواب دختران از هم جدا باشد تا مرتکب عملِ سحاق (مالیدن آلت تناسلی جنس مؤنث به هم) نشوند.

و به طریق اولی باید بستر خواب دختر و پسر را از هم جدا کرد، تا این که خدای ناکرده مرتکب عمل زن نگردند و موجباتی پیش نیاید که هیچکس از سزایش در امان نخواهد بود.

در کتاب «صارح طفلك عن الجنس» (کودکت را از مسایل جنسی آگاه کن) که برنامه‌ی درسی ویژه‌ی کودکان در آمریکا می‌باشد، آمده است: «لازم است که از خوابیدن کودکان در یک بستر واحد جلوگیری شود و نیز بهتر است که اطاق خواب آنها یکی نباشد، چون کودکانی در یک بستر واحد و در کنار هم می‌خوابند بر اثر تماس و مالش اعضای بدن آنها باهم تحریک شده و موجب انحراف آنها می‌گردد، چرا که مالش اعضای بدن باهم با وجود گرمای هوا در تابستان و یا سردی هوا در زمستان و نیز گرمای ایجاد شده در محیط موجب تحریک اعضای تناسلی شده و عواقبتی به دنبال دارد که نه کسی آن را می‌پسندد و نه کسی جز خدا سرانجامش را می‌داند.

امروزه دانشمندان به این نتیجه رسیده اند که کودکانی که در یک بستر واحد می‌خوابند، در اثر تماس جنسی آنها باهم و در اثر دمای هوا؛ بیشتر از وسایل گمراه‌کننده و تبلیغات رسانه‌های گوناگون همچون روزنامه‌ها و مجلات مختلف و اغواءکننده تحریک می‌شوند.

ستایش و تسبیح مخصوص خداوند است که چه زیبا فرمود و با چه بیان گویا و شیوایی حق مطلب را ادا کرد؛ طبیب طبیبان؛ معلمی که علومش را از آسمان دریافت می‌کرد، با آن که بیشتر از چهارده قرن از آن زمان می‌گذرد، آنجا که فرمود:

«**وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ**» بسترهای خواب آنها را از هم جدا سازید.

راست فرمودی! ای سرورم، و ای فرستاده‌ی خدا؛ و آنکسی که تو را آموزش داد نیز راست فرمود. و این از معجزات پیامبر خدا ρ است.

در گفتاری تحت عنوان «**اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ**» که بر روی نوار ضبط شده است، آمده که زنی از اهالی کشور عربی در ساعت 2 بعد از نصف شب با منزل جناب شیخ عبدالعزیز بن باز تماس می‌گیرد:

- الو! السلام علیکم

- علیك السلام ورحمه الله وبرکاته

- با جناب شیخ کار داشتم.

- بفرمایید! خودم هستم، چه مساله‌ی مهمی پیش آمده که مجبور شده‌ای در این نصف شب به منزل ما زنگ بزنی خواهرم؟

- زن در حالی که بشدت گریه می‌کرد گفت: وارد اطاق فرزندانم شدم و در آنجا پسرم را بر روی دخترم مشاهده کردم و دید که فلان کار را با خواهرش انجام می‌دهد، و من از شدت وحشت و ناراحتی با شما تماس گرفتم؛ چکار کنم؟ شیخ از دختر پرسید: چرا چنین شده و چرا چنین عملی مرتکب شده اید؟

دختر در جواب گفت: پدرم یك دستگاه ویدیو برایمان تهیه کرد و ما با دیدن و تماشای فیلم صحنه‌هایی مشاهده کردیم که نه تنها بشر بلکه سنگ را نیز تحریك و احساساتی می‌کند...

- این پسر در حالی که امکان اجرای عملش را با سایر دختران مثلاً دختر همسایه غیر ممکن دانسته؛ این کا را با خواهرش انجام داده است.

آیا تا این اندازه دوری از این دستور مهم نبوی ما را گرفته؟ و آنقدر از تعالیم و دستورات پیامبر گرامی‌مان ρ دوری گزیده ایم؟ بعضی از پدران و مادران که بستر فرزندان‌شان را از هم جدا نمی‌نمایند و در نتیجه به چنین سرنوشت شومی مبتلا گشته اند.

- بعضی از پدر و مادرها نه تنها بستر فرزندان‌شان را از هم جدا نمی‌نمایند، بلکه از وسایل و امکانات صوتی و تصویری نوارهای ویدیویی، سی دی و غیره (بدون نظارت و کنترل) در اختیار آنها قرار داده و موجب تحریک شهوات در آنها می گردند، و اینجاست که نتیجه می گیریم که یکی از عوامل مهم که موجب انحراف جنسی نزد جوانان می‌شود؛ خوابیدن آنها باهم در یک بستر است و چقد زیبا فرمود پیامبر خدا ρ: «**وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ**».

دلیل سوم: از دلایل انحرافات جنسی نزد جوانان

و اما سومین دلیل از دلایل انحرافات جنسی در جوانان «خوابیدن فرزندان در اطاق خواب والدین بعد از سن 2 و 3 سالگی است».

در کتاب «تحفه العروس» چنین آمده است: خوابیدن کودکان در اطاق خواب والدین به طور کلی کاری است دور از خرد. چون کودکان که همیشه در حال خواب بسر نمی‌برند و چه بسا گاهی اوقات خود را به خواب می‌زنند و وانمود می کنند که خوابیده اند؛ در حالی که بیدارند، و نسبت به حرکات و کلماتی که از والدین سر می‌زند کنجکاو شده و موجب تحریک جنسی آنان می گردد.

و بدبختی و سیه‌روزی اینجاست که هیچ چیز مانع از آن نمی‌شود، چرا که کودکان با صداهای کوچک یا تکان‌خوردن لحاف و یا کوچکترین لمس و تماس بدنی از خواب می‌پرند، و یا ممکن است در بسیاری از موارد در اثر سهل‌انگاری و عدم تعلیم آداب

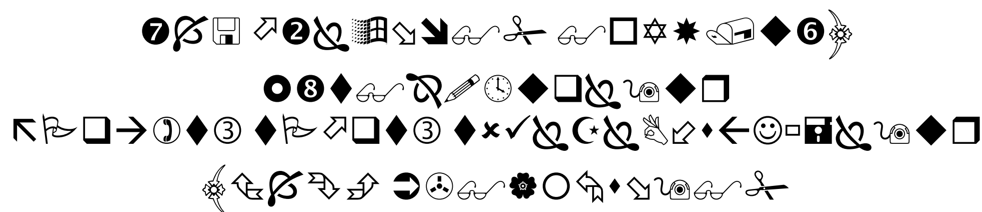
اجازه‌گرفتن برای ورود به اطاق خواب و استراحت پدر و مادر حالاتی از انحرافات جنسی در آنها ظاهر گردد؛ یعنی ممکن است اطاق خواب و استراحت پدر و مادر مجزا باشد، ولی به علت این که ممکن است هر لحظه فرزندان بدون اجازه وارد شوند؛ پدر و مادر را در وضعی غیر معمول مشاهده نموده و موجب پیدایش انحرافات جنسی در آنان می‌شود.

برادرم! به خاطر خدا هم که شده به داد خودت برس، و فرزند خودت را براساس آداب سه‌گانه‌ای که در سوره‌ی مبارکه‌ی نور تفصیل آن رفته تربیت کن.

آنان را باهم در یک بستر مخوابان؛ همراه خودت در اطاق خواب خودت و همسرت آنان را جای مده؛ چون کودکان با صداهای کوچک و به محض شنیدن پچ پچ یا کوچکترین حرکتی از خواب بیدار می‌شوند. بنابراین، این دستورات باید به کودکانی که هنوز به سن بلوغ نرسیده اند، آموزش داده شود.

اما اگر به سن بلوغ رسیدند؛ دستورات دیگری در قرآن و سنت وجود دارد که پدر و مادر باید به فرزندان‌شان یاد بدهند.

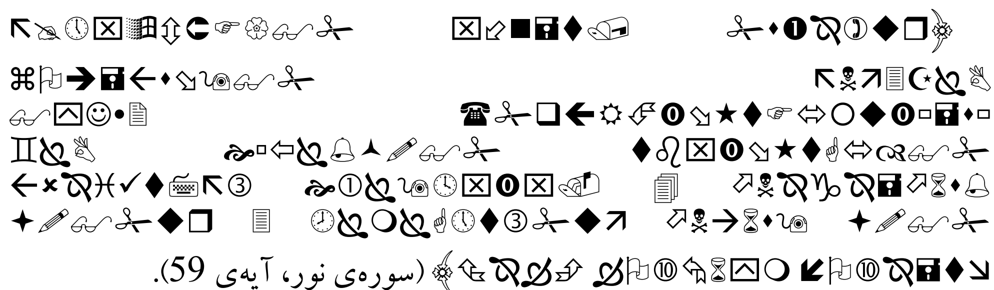
فصل دوم: آداب و دستوراتی که جوانان از آن غافلند



مقدمه‌ی مهم

در حقیقـت خداونـد متعـال فرمـانبرداری از خـودش و پـاس‌داشـت محبـتش و تمسـک بـه هدایتش و پیروی از سنتش را بر بندگان واجب فرمود و بزرگی و بلندهمتی و پیروزی و نیز محبت و بدست‌گرفتن آینده‌ی زمین از آن کسی است که از نور هدایتش پیروی می‌کنـد و ذلت و خواری و پستی و زبونی و سستی و اهانت نتیجـه‌ی مخالفـت بـا اوامـر و سـرپیچی از دستوراتش است.

با نگاهی اجمالی به مطالب گذشته در فصل اول چهار نکته را که به تربیت فرزندانی کـه به سن بلوغ نرسیده اند؛ یادآور شدیم و همانا این چهار نکته که در خـلال آیـات 58 و 59 سوره ی نور، و نیز در خلال سنت پاک نبوی و گفتار دانشمندان دینی تبیین گشته انـد و مـا در فصل اول آن را ذکر کردیم اختصاص به کودکانی دارد که به سن بلوغ نرسیده اند، امـا هرگاه به سن بلوغ رسیدند، قرآنکریم دستورات مهم و اکیدی برای این دوران دارد.


(سوره‌ی نور، آیه‌ی 59).

ترجمه: «هنگامی که کودکان شما به سن بلوغ رسیدند؛ (در همه‌ی اوقات برای ورود به مکانی که پدر و مادر در آنجا استراحت می‌کنند و یا منزل اختصاصی‌ای که آنان در آنجا به سر می‌برند) باید اجازه بگیرند، همانطور که اشخاصی که پیش از آنان بوده اند (هنگامی که به سن بلوغ رسیده و اینک مردان و زنان بزرگسال بشمارند) اجازه گرفته اند؛ خداوند اینچنین (روشن و ساده) آیات (احکام و شریعت) خود را توضیح داده و تبیین می‌کند (تا متأدب به آداب اسلامی شوید) و خداوند بس آگاه از (احوال آفریده‌های خود) و دارای حکمت است (در قانونگذاری برای بندگانش)».

و حال باید پرسید کسانی که قبل از آنها بوده اند، چه کسانی هستند؟ آنان همان کسانی هستند که خداوند متعال در سوره‌ی نور آیات 27 و 28 از آنان یاد می‌کند:

☎✂❑⇖☪♦👌✂◆➚ ♦✖⇦♉🔔⅄✏👓✂ 👓■&☙⑨❑🕯✴🕐♦③❁
◆❸⬀❷☒➘ 👓🕐✍❑⇖⓿🡐📪 ☎✂❑➔🖫➚⌘⇳⑨⬩✍ ⬩◆
☎✂❑⓫○♐💧▫🕯♦☝⇔○■✍ 🗐♉✹☹⍓❍ ⬀☠→⌛♉✍❑⇖⓿🡐📪
🗐 👓⍓♑♐🖫⬃♎❑🕮 ✂❼■✍♦⇖ ☎✂❑←☺♉&🖫❁○➔✍◆❑
⬀☠➚▤✦🖫⍓➔⬩♍ ⬀☠➚▤⅄♍ ➤❸⬀❷⍓⌘ ⬀☠➚▤♉♍🕓⬩❶
⇔🏳⅄♍ ♌♐✉⬩▫ ⬁✠♋⬀ ☙♍❑⇖❷⅄📫☒⓿⬩✍
•☒⬩▫ ✂✡⑨⍓❍❑🕮 ✏👓⍓♑⑩♉▫ ☎✂❑←⑨⬅♑❑👌
☎ ⬀📪➚▤⬩♍ ☙♍⬩❶⬃⬩⇖③ 🗐♐✹☹⍓❍ 👓⍓♎❑➔🖫➚⌘⇳⑨⬩✍
☎✂❑⇖➔⬅♉⬀❻👓✂ ⇖☠➚▤⬩♍ •✍⑩♉🔔 ♌♐✆◆❑
⬀☠➚▤⬩♍ 🗐❼⬩🗀➘♍❑🕮 ◆❑➔♎ ☎ ☎✂❑⇖➔⬅♉⬀❻👓👓⬩▫
♋🏳⑩♐🖫♦➘ ☙♍❑➔🖫⍓☺⬃➔⬩✍ 👓⍓☺♐📪 ✦✏👓✂◆❑ 🗐
.❁⬁✠♉⬀

ترجمه: «ای مؤمنان وارد خانه‌هایی نشوید که متعلق به شما نیست، مگر بعد از اجازه‌گرفتن (با زنگ‌زدن یا کوبیدن در ویا کارهایی جز اینها) و سلام‌کردن بر ساکنان آن، این کار برای شما بهتر است (از ورود بدون اجازه و سلام) امید است شما (این دو چیز را به هنگام رفتن به منازل دیگران رعایت و آنها را) در مد نظر داشته باشید، اگر کسی را در خانه نیافتید (که به شما اجازه دهد) بدان جاها داخل نشوید (تا کسی پیدا می‌آید و) به شما اجازه

داده می‌شود. اگرهم به شما (اجازه داده نشد) و گفتند: برگردید؛ پس برگردید. (و اصرار نکنید) این (کار رجوع؛ زیبنده‌تر به حال‌تان و) پاک‌تر برای‌تان می‌باشد، خدا بس آگاه از کارهایی است که می‌کنید. (پس با رهنمودهای او مخالفت نورزید)».

این دو آیه‌ی مبارکه از سوره‌نور به افرادی توجه دارد که به سن بلوغ رسیده اند و بعضی از آداب اجازه‌خواستن و دیدار و بازدید از دیگران (در منازل) را برای ما توضیح می‌دهد.

در این خصوص سید قطب / در تفسیر وزینش که «فی ظلال القرآن» می‌باشد، می‌فرماید: «خداوند منازل را مسکن انسان‌ها قرار داده تا ارواح‌شان نیز در آنجا ساکن گردد و از جان‌شان اطمینان داشته باشند، و از کشف عورات و محارم‌شان در امان باشند، و در آنجا لباس‌های معمولی را جهت استراحت از تن به در کرده و چیزهایی را که موج فشار بر اعصاب می‌گردد، از خود دور می‌کنند. و منازل هیچگاه چنین نخواهد شد، مگر این که حریمی امن باشد و کسی به آن حریم وارد نگردد، مگر با علم و اطلاع و اجازه‌ی اهل آن منزل، اما در مواقع عادی اگر بخواهند که مردم با آنها ملاقات کنند و وارد منازل آنها شوند (و آمادگی پذیرش مهمان) را داشته باشند؛ اشکالی ندارد که بدون اجازه وارد شوند، ولی مباح‌دانستن ورود بدون اجازه و درنظرنگرفتن وضعیت ساکنان موجب می‌شود که شاید عورات ساکنان منزل کشف و چشم تازه‌واردان بران بیفتد و موجبات برانگیختن شهوت را فراهم آورد و فرصت را برای اغوای امیال انسانی که در نتیجه‌ی دیدن‌های زودگذر است آماده می‌کند، نگاه‌های گذرا و بدون قصد و نظر؛ در صورت تکرار؛ هدفدار شده و از این به بعد عامدانه آگاهانه می‌شود. و در نتیجه امیالی که بر اثر نگاه‌های اولیه و غیر عمد ایجاد شده تحریک و بیدار می‌شوند و به سوی انگیزش‌ها و روابط گناه‌آلود و یا به سوی شهوات حرام سوق داده می‌شود. بازتاب و نتیجه‌ی این رفتارها عقده‌های روحی و انحرافات جنسی و اخلاقی است. در جاهلیت قبل از اسلام مردم بدون اجازه و اطلاع صاحبخانه با حالتی هجومی به هر منزلی و در هر موقعی که می‌خواستند وارد می‌شدند. بنابراین، پیش می‌آمد که صاحبخانه را به همراه همسرش در حالتی مشاهده می‌کردند که مجاز نیست کسی آنان

را در چنین وضعیتی ببیند، یا گاهی اتفاق می‌افتاد که یکی از زوجین را در وضع نامناسبی مشاهده می‌کردند، و بدینوسیله موجبات آزار و اذیت صاحبخانه را فراهم آورده و حرم امن منازل را شکسته؛ آرامش ساکنان را برهم می‌زدند.

به همین دلایل و دلایل دیگر، خداوند متعال مسلمانان را به این ادب والا، متأدب فرمودند: آداب اجازه‌گرفتن برای ورود به منازل دیگران و سلام‌کردن بر ساکنان آن برای شناسایی و ایجاد اُنس و دورشدن ترس و دلهره از دل‌هایشان. و خداوند از استئذان (اجازه خواستن) در آیه‌ی 27 از سوره‌ی مبارکه‌ی نور به استئناس (طلب انس و الفت) تعبیر فرموده و این تعبیر لطیف جانی تازه و روح‌انگیز به واژه‌ی استئذان می‌بخشد که موجب ایجاد انس و آرامش در دل ساکنان منزل می‌گردد، و آنان را جهت استقبال و پذیرایی از تازه وارد آماده می‌گرداند، و این تعبیر الفتی مخصوص و لطیف است جهت رعایت احوال و رعایت وضعیت مردم در منازل‌شان[1].

پس اجزاه‌خواستن؛ رعایت حرمت منازل را محقق می‌سازد؛ منازلی که محل استراحت و آرامش انسان‌هاست. و در صورت عدم رعایت این دستور؛ اهل خانه دچار مشکلی و ناراحتی شده و اذیت و آزار می‌شوند، چرا که موجب کشف عورات آنها شده است.

عورات زیادند که بعضی از آنها در پی خواهد آمد:

1- **عورت بدن:** اگر صاحبانه بر اثر سوختگی؛ یا مرض یا نقص عضو؛ عیبی در بدن داشته باشد و بخواهد آن را مخفی کند، چگونه بتواند، در حالی که هرکسی بتواند سرزده وارد منزلش شود.

2- **عورت طعام:** گاهی اوقات ممکن است فرد فقیر و تنگدست باشد و یا ثروتمند باشد و از انواع غذاها (کم یا زیاد؛ خوب یا بد...) بر سر سفره داشته باشد و به قدر مصرف خود و

(1)- فی ظلال القرآن ج 18 ص 88.

خانواده اش آماده نموده باشد، پس چگونه از کیفیت پایین غذایش و یا اندک‌بودن آن شرمنده نشود؛ در صورتی که هر وقتی بدون اجازه وارد منزلش بشوند و یا با این وضعیت؛ چگونه بتواند از طعام و خوراکی‌هایش لذت ببرد؟

3- **عورت لباس:** انسان ممکن است در انظار مردم لباس و عمامه و یا کفش‌های معمولی و عامه‌پسند بپوشند. ولی بنا به دلایلی قادر نباشد زیر پیراهن یا پیژامه‌ی نو تهیه کند و در نتیجه لباس های زیر کهنه یا پاره می‌باشد. (آدم عاقل) چگونه باید به خود اجازه ده که سرزده و بدون اجازه وارد منزل دیگران شود و افراد منزل را در چنین وضعی مشاهده نماید، در حالی که آنان به این وضع راضی نیستند.

4- **عورت وسایل و اثاث خانه:** فرد ممکن است که در منزلش فقط یک فرض نو یا درد بور داشته باشد و بقیه ی زیراندازها کهنه و قدیمی بوده و این یک تکه را فقط جهت پذیرایی از مهمان در منزل بگستراند. و در بقیه‌ی مواقع آن را جمع کند، یا اصلاً ممکن است زیراندازهای کهنه و فرسوده را در موقع مهمانی و پذیرایی از مهمانان به وسیله‌ی پارچه‌ای زیبا پوشاند و دیگران فکر کنند که این زیراندازها فاخر و زیبا هستند. در حالی که اصلاً چنین نیست. پس چگونه بدون اجازه وارد منزل دیگران می‌شوی، در حالی که او از این وضع ناراضی و ناراحت است؟

5- **عورت ظاهرشدن در انظار عموم:** گاهی اتفاق می‌افتد که فرد بین مردم آقا و سرور است و دارای شخصیت و احترام مخصوصی می‌باشد، اما در منزل و در میان خانواده اش برعکس این حالت است و در شستن ظروف یا کارهای منزل به همسرش کمک می کند؛ همچنان که حضرت رسول ρ این کار را می کردند، از اسود روایت شده که گفت: از حضرت عایشه ل پرسیدم: رسول خدا ρ هنگامی که در منزل هستند به چه چیزی مشغول اند؟ فرمود: به خانواده اش کمک و یاری می‌رساند و موقعی که وقت نماز فرا می‌رسد، بای ادای نماز از منزل خارج می‌شوند. چگونه چنین شخصیت محترمی این چنین در داخل

منزلش رفتار می‌کند؛ به خودت اجازه می‌دهی بدون اجازه سرزده وارد منزلش شوی و او را در این وضع مشاهده کنیم و (موجبات آزار و اذیتش را فراهم سازی).

6- **عورت رفتار و اخلاق و خشمگین‌شدن:** ممکن است فردی در میان مردم خوش اخلاق و خنده‌ور باشد و اتفاق می‌افتد که او روزی در منزلش در حالت خشم یا اندوه باشد. و حالتش تغییر کرده و چه بسا زشت می‌شود. پس چگونه جایز است که کسی سرزده وارد منزل چنین فردی بشود و او را در چنین حالتی مشاهده کند، در حالی که اصلاً دوست ندارد.

7- **عورت انجام‌دادن کاری که فرد نمی‌خواهد کسی از آن آگاه شود:** انسان به طور کلی آکنده از اسرار است. گاهی لغزش‌هایی از او سر می‌زند. گاهی ممکن است در تنهایی و در منزلش کاری انجام دهد که خجالت می‌کشد، مردم از آن اطلاع پیدا کنند. یا ممکن است در حال ارتکاب گناهی باشد که خدا آن را برایش پوشیده است، پس چگونه اجازه می‌دهی که بدون اجازه او وارد شوی و از کارش آگاهی یابی؟

8- **عورت کارکردن:** گاه اتفاق می‌افتد که کسی در منزلش مشغول ساختن چیزی است؛ برای کمک هزینه اش و نمی‌خواهد کسی او را بشناسد. مثلاً چیزی می‌سازد و دور از چشم اهالی آن منطقه آن را به فروش می‌رساند. شما را به خدا! چگونه می‌خواهید که بر چنین افرادی وارد شوید و اصرار دارد که آنچه را مردم از شما پنهان می‌کنند؛ بدانید و بشناسید. خیر! هرگز چنین رفتاری جزو آداب اسلامی نیست.

آیا زشت نیست که بر عورت و اسرار افراد آگاهی یابید در حالی که آنان دوست ندارند؟ آنهم سرزده و بدون اجازه!

یا شاید افراد دارای خصوصیات و حالاتی باشند که بدون آماده‌شدن قلبی با مرتب‌کردن خود دوست نداشته باشند، کسی آنها را در این وضعیت ببیند. و این جزو عورات احساسات و حالات روحی است. اگر چنین هستی و دوست داری بر عیوب و عورات مردم آگاهی

یابی؛ پس کجایی و چرا از کلام خداوند بی‌خبری که می‌فرماید:

﴿[illegible]﴾.

ترجمه: «ای مؤمنان، وارد خانه‌هایی نشوید که متعلق به شما نیست. مگر بعد از اجازه‌گرفتن (با زنگ‌زدن یا کوبیدن در و یا کارهایی جز اینها) و سلام‌کردن بر ساکنان آن. این کار رأی شما بهتر است (از ورود بدون اجازه و سلام) اُمید است شما (این دو چیز را به هنگام رفتن به منازل دیگران رعایت و آنها را) مد نظر داشته باشید. اگر کسی را در خانه نیافتید (که به شما اجازه دهد) بدانجاها داخل نشوید (تا کسی پیدا می‌آید و) به شما اجازه داده می‌شود. اگر هم به شما (اجازه داده نشد و) گفتند: برگردید؛ پس برگردید؛ (و اصرار نکنید) این (کارِ رجوع؛ زیبنده‌تر به حال‌تان و) پاکتر برایتان می‌باشد. خدا بس‌آگاه از کارهایی است که می‌کنید. (پس با رهنمودهای او مخالفت نورزید)».

و رسول محبوب پروردگار، حضرت محمد ρ می‌فرمایند: «**لَوْ أَنَّ امْرَءًا اطَّلَعَ عَلَيْكَ بِغَيْرِ إِذْنِكَ فَحَذَفْتَهُ بِحَصَاةٍ فَفَقَأْتَ عَيْنَهُ، لَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ جُنَاحٌ**».

ترجمه: «اگر کسی بدون اجازه‌ی تو بر سِرّی (از سرار تو) آگاهی یابد و تو (در این حال) او را با سنگ زدی و چشمش را کور کردی؛ بر تو باکی نیست»(1). و نیز در خصوص

(1)- در اینجا ذکر واژه‌ی (فحذفته بحصاه) به معنی او را با سنگ‌زدن و از خود دورکردن است.

آیه‌ی 27 از سوره‌ی مبارکه‌ی نور روایت شده که زنی نزد پیامبر ρ آمد و گفت: «ای رسول خدا من در منزل خودم در حالت و وضعی هستم که دوست ندارم کسی حتی پدر و یا فرزندم در این وضع بر من وارد شوند. ناگهان کسی از راه می‌رسد و بر من وارد می‌شود. چکار کنم؟ پس این آیه نازل شد: ﴿[illegible]﴾ پس بر ما واجب است که هم خودمان یاد بگیریم و هم به فرزندان‌مان که به سن بلوغ و رشد رسیده اند، آداب استئذان و ملاقات با دیگران را یاد بدهیم. این آداب زیادند و ما در اینجا خلاصه‌ای از آنچه که در «**الجامع لأحكام القرآن وروائع البيان**» اثر استاد شیخ محمد علی صابونی آمده است در پی خواهیم آورد:

1- آیا سلام‌کردن قبل از اجازه‌گرفتن است یا بعد از آن؟

ظاهر آیه دلالت به تقدیم اجازه‌خواستن بر سلام دارد و بعضی از علما هم دستور به همین امر آیه داده اند، ولی رأی جمهور فقها بر این است که سلام‌کردن قبل از اجازه‌گرفتن است و دلیل‌شان فرمایش پیامبر است که فرمود: «**السَّلاَمُ قَبْلَ الْكَلاَمِ**» او سلام بعد کلام و نیز پیامبر ρ فرمود: «**مَنْ لَمْ يَبَدَأ بالسَّلامِ فَلا تأذِنُوا له**» کسی که سلام را جلو نینداخت به او اجازه ندهید. و جمهور فقها استدلال‌شان این است که روایت شده مردی از بن عامر از پیامبر اجازه‌ی ورود خواست، در حالی که پیامبر در منزل بودند و گفت آیا وارد شوم؟ پیامبر به خادمش امر فرمود: برو و آداب اجازه‌خواستن را به او بیاموز که بگوید: السلام علیکم؛ آیا وارد شوم؟ برای خروج از این امر اختلافی که آیا سلام‌کردن قبل از اجازه‌گرفتن است یا بعد از آن؛ دانشمندان مسئله را توضیح داده اند و چنین آورده اند:

الف: رأی ماوردی: هرگاه کسی خواست به منزل کسی دیگر برود؛ اگر قبلاً از افراد اهل منزل را دید؛ به او سلام کند و سپس اجازه بگیرد. اما اگر چشمش به کسی از اهل منزل نیفتاد، اول اجازه می‌گیرد؛، سپس سلام می‌کند.

ب: جایز است که به جای اجازه‌گرفتن لفظی دیگر به کار برد یا از اشاره‌ای مانند گفتن: «سبحان الله؛ الله اکبر و یا تنحنح (اِح اِح – سرفه‌کردن) استفاده شود، طبرانی از ابی ایوب روایت کرده که گفت: مگر نه این است که خداوند می‌فرماید: ﴿❍⌂☹✸♉▤ ✍■❍⬄☝♦▯▫♦⚲❍⬆❑✂☎ ❑♦✍➔❍✿▣&✆☺←❑✂☎ ⬉♦✍■❼✂ 🕮❑♎⬃▣⚲♑⌂👓﴾ این سلام‌کردن را می‌دانیم و می‌شناسیم ولی استئناس (طلب انس) کدام است؟ پیامبر ρ فرمود: «آدمی می‌تواند با سبحان الله گفتن یا الله اکبر و یا ذکر الحمد لله و یا تنحنح (اِح اِح یا سرفه‌کردن) سخن بگوید. پس اهل منزل از وجودش باخبر شده و به او اجازه می‌دهند».

2- تعداد دفعات اجازه‌خواستن چند مرتبه است؟

آیه‌ی کریمه تعداد دفعات اجازه‌خواستن را توضیح نفرموده، ولی محبوب پروردگار حضرت محمد ρ برای ما این مطلب را چنین بیان فرموده است:

«اجازه‌خواستن سه مرتبه است:

1- بار اول اهل منزل ساکت می‌شوند.

2- بار دوم خود را آماده می‌کنند.

3- و بار سوم اجازه می‌دهند یا رد می‌کنند. در دوراندیشی و دقت پیامبر خداρ در خلال این حدیث دقت فرمایید:

الف: اولین بار جهت سکوت اهل منزل؛ تا مطمئن شوند، آیا کسی اجازه‌ی ورود خواست یا خیر؟ چرا که ممکن است در آنجا کاری ایشان را به خود مشغول داشته که مانع از شنیدن صداهای بیرون می‌شود.

ب: دومین بار که اجازه‌ی ورود خواسته شود؛ آن را شنیده و در این مرحله خود را مهیا و آماده می‌نمایند. چه بسا عورتی از عورات ذکر شده مانع باشد. یا شاید یکی از افراد منزل در وضعی غیر عادی قرار داشته باشد و بخواهد خود را مراتب یا اصلاح نماید یا این که یکی از بچه‌های کوچکش در حالتی باشد که احتیاج به تمیزکردن داشته باشد و او اقدام به تمیزکردنش بنماید. یا اثاث منزل یا لباس‌هایشان نامرتب باشد و بخواهند اقدام به مرتب و منظم‌کردن آن بنمایند. و یا هر امری دیگر از این قبیل.

ج: و در مرتبه‌ی سوم یا اذن ورود می‌دهند یا نمی‌پذیرند و رد می‌نمایند. در این حال اگر آنان اشتیاق دیدار و همنشینی با شما را داشته باشند و جزو برادران ایمانی آنها باشی به تو اجازه می‌دهند. اما اگر جزو کسانی باشی که همیشه در مورد مردم سخن می‌گویند، و زبان به بدی می‌گشایند و اوقات دیگران را تلخ می‌نمایند؛ و صاحبخانه دوست ندارد با تو همنشین شود. پس در اینصورت درخواست تو را برای ورود به منزل رد می‌نماید، یعنی اجازه‌ی ورود نمی‌دهد. بنابراین، بهتر است که بدون واهمه و بدون احساس سرافکندگی و خشم برگردی چون اگر چنین کنی امر پروردگار را لبیک گفته‌ای. آنجا که فرمود: ﴿♌♐✉⬧◽ ⇔⚐⮝♎ ☎✃❐←⑨⇖♑❐✌ ✐☙⌧♑⑩♋◽
📖❐❍⌧⑨✡✃ •⌧⬧◽ ☙⌧♎❑➔🖬⬀⌘⇧⑨⬧✍ 🗐✗✸☹⌧❍
♐♍⬧❶⬃⬧⬉③ ⬀🗐⬀▤⬧♎ ♌♐❍◆❐ ☎ •✍⑩♋🔔 ⬉☠⬀▤⬧♎
☎✃❐⬉➔⇖♉⬀❻☙☙⬧◽ ☎ ☎✃❐⬉➔⇖♉⬀❻☙✃ ◆❐➔♎
📖❐❼⬧🗁⬂♏❐📖 ⬀☠⬀▤⬧♎ 🗐 ✦✐☙✃◆❐ ☙⌧☺♐🗐
✍⬧➔❐⌧☺⬀➔🖬❐♍♐⬂◆🖬♐⑩⚐✗ ⇗♋✗⇦﴾ (سوره‌ی نور، آیه‌ی 28).

از این آیه‌ی مبارک برای ما روشن می‌شود که آداب استئذان (اجازه‌خواستن برای ورود به منزل دیگران) سه مرتبه است. و این مطلب را جریانی که میان حضرت عمر بن الخطاب τ و ابوموسی اشعری τ رُخ داد، تأیید می‌نماید. جریان از این قرار است که از ابی سعید خدری روایت شده که فرمود:

در یکی از مجالس انصار نشسته بودیم که ابوموسی با نگرانی وارد شد. گفتیم: چه چیز تو را نگران کرده است؟ گفت: «عمر از من خواست نزدش بروم؛ پس رفتم؛ سه مربته اجازه گرفتم، ولی اجازه نداد و من نیز برگشتم. اکنون عمر می‌گوید: چه چیزی مانع آمدنت نزد من شد؟ به او گفتم من نزد شما آمدم و سه مرتبه هم اجازه خواستن، ولی شما اجازه‌ی ورود ندادید، و این در حالی است که پیامبر ρ فرمود: «هرگاه از کسی سه مرتبه اجازه‌ی ورود خواستید، ولی اجازه‌ی ورود نداد برگردید. ابی بن کعب τ گفت: کوچکترین (کم‌سن و سال‌ترین) فرد گروه برای (تحقیق) در خصوص این موضوع همراه تو می‌آید. ابوسعید خدری گفت: من که کوچکترین آنها بودم به همراه او رفتم و به عمر τ گفتم که پیامبر چنین فرموده است. و در بعضی روایات آمده است که عمر فاروق τ به ابوموسی گفت: من تو را متهم نمی‌کنم، بلکه از این ترسیدم که مردم چیزی از زبان رسول خدا ρ نقل کنند که (آن را نفرموده باشد) و من خواستم که یقین حاصل کنم.

با دقت در این ماجرا همچنین برای ما روشن می‌شود که استئذان (اجازه‌خواستن) سه مرتبه است. ولی اگر بار اول صاحب خانه متوجه شد؛ نیازی به مرتبه‌ی دوم و سوم نیست، و ابوحیان گفته است که شایسته نیست بیش از سه مرتبه اجازه خواسته شود و اصرار گردد، مگر این که شخص مطمئن شود کسانی که در منزل هستند متوجه نمی‌شوند و یا اگر برای کار ضروری باشد، مانند وجود مریض اورژانسی در منزل و نجات‌دادن شخص و یا هجوم دزد به منزل و یا کمک به نجات کسی جز حریق و... هر کاره مهمی که مربوط به مسلمانان باشد؛ در این صورت جایز است که بیش از سه مرتبه نیز اجازه‌ی ورود خواسته شود، و لازم است که بین هریک از مراحل استئذان فاصله‌ای وجود داشته باشد. چون ممکن است کسی که در داخل منزل است مشغول کاری باشد که نتواند پاسخ دهد. پس در فاصله‌ی تکرار بین دفعات از کارش فارغ می‌شود.

3- آیا محارم نیز باید اجازه بگیرند؟

سؤال: محارم چه کسانی هستند؟

جواب: محارم جمع محرم است و عبارتند از: 1- مادر و هرچه بالاتر رود (مانند مادرِ مادر و... الخ) 2- دختر و هرچه پایین‌تر آید (مانند دخترِ دختر و... الخ) 3- خواهر. 4- خاله. 5- عمه. 6- دخترِ برادر. 7- دخترِ خواهر.

سؤال: آیا این افراد مجازند که بدون اجازه وارد شوند؟

جواب: واضح است که جزو اخلاق کریمانه می‌باشد که هرگاه مرد با یکی از محارمش در یک منزل ساکن بودند؛ اگرچه مادر یا دختر یا خواهرش باشند، نباید بدون اجازه بر او وارد شوند و او نیز جایز نیست، بدون اجازه برآنان وارد شود. مگر این که قبلاً اجازه بگیرد یا این که با تنحنح یا کوبیدن پا بر زمین و یا گفتن اذکار سبحان الله؛ الله اکبر و غیره او را متوجه سازد.

چرا که بعضی از اوقات احتمال دارد که مادر آدمی یا خواهرش در وضعیتی باشند که دوست ندارند وی را در چنین حالتی ببینند. در این مورد طبری از عطار بن یسار نقل کرده که مردی به پیامبر ρ گفت: آیا برای ورود به اطاق مادرم اجازه بگیرم؟ فرمود: بله، گفت: می‌خواهم به او خدمت کنم؛ فرمود: آیا دوست داری او را ببینی در حالی که لباس به تن ندارد؟ گفت: خیر. فرمود: اگر چنین است از او اجازه بگیر.

این حدیث نیز برای ما بیان می‌کند؛ فرزندان‌مان را که به سن بلوغ رسیده اند، یاد بدهیم که بر محارم نیز اجازه بگیرند. فرق نمی‌کند؛ مادر باشد یا خواهر یا دختر عمه یا خاله یا دختر برادر یا دختر خواهر و یا همسر پدری (نامادری) یا همسرِ پسر یا خواهران شیری.

4- آیا استئذان (اجازه‌گرفتن) برای زنان و یا نابینایان نیز واجب است؟

الف: نسبت به زنان: هرگاه زنی خواست فرد دیگری را ملاقات کند بر او لازم است که مانند مردان آداب اجازه‌گرفتن را رعایت نماید، و شاهد ما بر این مدعا جریانی است که از

«ام ایاس» نقل شده است. ام ایاس گفت: چهار زن که یکی از آنان من بودم از حضرت عایشهل اجازه‌ی ورود خواستیم. در این میان من گفتم: آیا وارد شویم؟ فرمود: خیر. یکی دیگر از همراهان ما گفت: السلام علیکم؛ آیا وارد شویم؟ فرمود: وارد شوید. سپس این آیه را تلاوت فرمود: ﴿③♦🕐❄🕯❐⑨🙰&❐🙵 ✁🙵🖉⅄🔔♋⇦×♦ 🙵🕐✍❐⇖❶⇦🖎 ☎✁❐➔🖫⇗⌘⇧⑨♦✍ ♦♦ ☎✁❐⇖☪♦🖏✁♦⇗ 🗐♉✹☹⊠❍ ⇗☠➔⌛♋✍❐⇖❶⇦🖎 ♦❸⇗❷⊠⇘ ☎✁❐⇦☺♋&🖫✺❍➔🖎♦❐ ☎✁❐⋂❍🙾♦▭🕯♦✌⇔❍■🖎 ⇖♦✍■❼✁ 🕮❐♎⬀🖫🙾♑⊠🙵﴾ این امر دلالت بر این دارد که زنان نیز باید همچون مردان اجازه‌ی ورود بخواهند و رعایت این دستور برای زنان، با اهمیت تر از مردان است، چرا که در هرحال ممکن است یکی از عوراتی که سابقاً ذکر شد وجود داشته باشد و زن آن را مشاهده نماید. و همگی ما واقفیم که اسرار مهم و بزرگ داخل خانه فاش نمی‌شود، مگر از طریق اختلاط و همنشینی زنان.

پس هیچ زنی نباید بدون اجازه بر دوستش یا خواهر یا همسایه اش به دلیل این که دوست یا خواهر یا همسایه هستند، وارد شود. تمام این موارد امور ممنوعه می‌باشند و بر زنان نیز رعایت آن همچون مردان واجب است.

ب: نسبت به افراد نابینا: بر افراد نابینا نیز واجب است که اجازه‌ی ورود بخواهند، چون عوراتی وجود دارد که همچنانکه با چشم احساس می‌شوند؛ از طریق گوش نیز احساس می‌شوند.

ممکن است صاحب خانه با همسرش در حال حرف‌های خصوصی باشند و یا در حال مؤاخذه و پرسیدن سؤال از دخترش به خاطر مساله‌ای باشد یا این که به خاطر کاری؛ محرمانه پسرش را تأدیب یا تنبیه نماید. همه‌ی اینهایی که برشمرده شد، عوراتی هستند که با گوش درک می‌شوند.

به همین خاطر است که پیامبر گرامی ρ ما را برحذر می‌دارد و می‌فرماید: «**مَنِ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ صُبَّ فِي أُذُنِهِ الآنُكُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ**».

ترجمه: «هرکس به سخنان گروهی گوش فرا دهد؛ در حالی که آنان از این عمل او ناراضی باشند، روز قیامت در گوش‌هایش «انک» ریخته می‌شود. و «انک» به معنای سرب مذاب می‌باشد».

در اینجا فرمایش پیامبر ρ متوجه کسانی می‌شود که درِ گوشی ایستاده؛ در حال استراق حرف‌های دیگران می‌باشند و بدینوسیله عورات دیگران را جستجو و فاش می‌نمایند.

5- زائر (دیدارکننده) جلو در ورودی چگونه باید منتظر بماند؟

از دستورات شرعی در استئذان این است که دیدارکننده نباید مستقیم جلو در بایستد، بلکه باید به سمت چپ یا راست برود، از پیامبر ρ نقل گردیده که هرگاه به دیدن کسی می‌رفتند؛ مستقیم جلو در قرار نمی‌گرفتند، بلکه به سمت چپ یا راست متمایل شده؛ می‌فرمود: «السلام علیکم؛ السلام علیکم» و این دستور به عصر و زمان خاصی اختصاص ندارد.

این دستور لازم است اکنون بهتر و جدی‌تر رعایت شود، چرا که در این عصر ممکن است درها بسته باشند؛ ولی به محض این که در باز شود، احتمالاً چشم انسان به چیزهایی بیفتد که دیدنش برای او جایز نیست. و اهل خانه مایل نیستند که کسی از آن اطلاع یابد.

و از سعید بن عماره روایت شده که نزد پیامبر ρ رفتم، در حالی که ایشان در منزل بودند، در مقابل در ایستادم و اجازه گرفتم. با اشاره به من فرمود که دور شوم.

سپس فرمود: آیا مگر اجازه برای جلوگیری از دیدن چیزهای ممنوعه نیست؟

تعقیب

اگر کسی در منزل دیگری بر چیزی آگاهی یافت یا چیزی را بدون اجازه‌ی صاحب خانه دید، چه حکمی دارد؟

فقها در این خصوص اختلاف نظر دارند:

سؤال: اگر یکی از اهالی منزل متوجه شد که کسی از سوراخ در مشغول نگاه‌کردن اسرار آنان است؛ او را بزند و چشمش را کور کند؛ آیا این عمل او موجب قصاص می‌شود؟ و اگر موجب قصاص می‌گردد؛ حکمش چیست؟

جواب: 1- امام شافعی و امام احمد ب نظرشان براین است که اگر کسی در چنین موقعیتی و به خاطر ارتکاب این عمل چشمش بیرون آورده شود، چشمش هدر رفته و بر زننده قصاص نیست.

2- امام ابوحنیفه و امام مالک ب معتقدند که جنایت است و بر زننده ارش[1] یا قصاص واجب است.

هرکدام از آنان برای خود دلایل و براهینی دارند. ولی دلیل قوی و راجح، دلیل امام شافعی و امام احمد است که به حدیث منقول از ابی هریره از پیامبر ρ استناد می‌کنند: «**مَنِ اطَّلَعَ فِى دَارِ قَوْمٍ بِغَيْرِ إِذْنِهِمْ فَفَقَأُوا عَيْنَهُ فَقَدْ هَدَرَتْ عَيْنُهُ**».

ترجمه: «هرکس در منزل قومی؛ بدون اجازه‌ی صاحب خانه بر چیزی آگاهی یابد و در این حال چشمش زده شود و چشمش را از دست بدهد، پس چشمش هدر رفته».

و در حدیثی دیگر سهل بن سعد آورده: مردی در یکی از حجره‌های رسول خدا ρ از چیزی آگاهی یافت. پیامبر ρ با وسیله‌ای آهنی که در دست داشت بر سرش کوبید و فرمود: «**لَوْ أَعْلَمُ أَنَّكَ تَنْتَظِرُ لَطَعَنْتُ بِهَا فِي عَيْنِكَ، إِنَّمَا جُعِلَ لِلإِذْنِ مِنْ أَجْلِ النَّظَرِ**».

---

(1)- ارش: دیه، قصاص.

ترجمه: «اگر می‌دانستم که داری نگاه می‌کنی، آن را در چشمت فرو می‌کردم، همانا اجازه‌گرفتن برای (جلوگیری) از دیدن واجب شده است».

مساله‌ی روز: کسانی که دزدکی به منازل دیگران نگاه می‌کنند

امروزه بدلیل کم عرض‌بودن خیابان‌ها و نزدیکی ساختمان‌ها بهم و چسبیدگی منازل و روبروی هم قرارگرفتن پنجره‌ها و درهای ورودی (مخصوصاً در منازل آپارتمانی) احتمال کشف عورات بعضی از همسایه‌ها برای بعضی دیگر وجود دارد و در این میان بسیاری از انسان‌های ضعیف النفس چشم‌هایشان را نمی‌بندند و چه بسا عمداً و آگاهانه از پنجره‌ها و طبقات بالا به درون منازل در طبقات پایین می‌نگرند. و این عمل هتک حرمت و ریختن آبروی همسایه می‌باشد و وسیله‌ای است برای افتادن در دام حرام و موجب فتنه و فساد و تباهی زیادی خواهد شد.

مخصوصاً بعضی از انسان‌های گناهکار عمداً جلوه پنجره ایستاده و یا از پشت پرده‌ها به پنجره‌ی ساختمان مقابل نگاه می‌کنند. بعضی نیز به همراه دوستان ناباب جلو در ورودی منازل ایستاده و از درون پنجره به درون ساختمان منازل همسایه‌ها می‌نگرند و حرمت آنان را لگدمال می‌نمایند و از خطرناک‌ترین نوع این تجسّس و دزدکی نگاه‌کردن در این روزگار؛ استفاده از عینک‌های بزرگنما است که بعضی از مردم این عینک‌ها را خریداری کرده و با استفاده از آن از طبقات بالا یا پایین از درون اطاق‌ها و از پشت پرده‌ها از دور مراقب همسایه‌هایشان هستند و آنان را می‌پایند.

عجیب‌تر از این؛ این که یکبار که از سفر عمره برمی‌گشتم؛ یکی از کارگران که از برمی‌گشت در داخل کشتی با من آشنا شد. وی که یکی از این عینک‌ها را با خود همراه داشت و به وسیله‌ی آن کشتی دیگری را که در مجاورت ما بود نگاه می‌کرد. از او پرسیدم که چرا این را خریدی و می‌خواهی با آن چکار کنی؟

او در جواب فقط یک مطلب را به من گفت: پسرم در امتحان پایان سال قبول شده و من هم برای تشکر و قدردانی از او؛ این عینک را برایش تهیه کرده‌ام.

در این موقع داستانی که دوستم برایم تعریف کرده بود، در ذهنم تداعی شد و باو درِ صحبت را باز کردم:

از او پرسیدم: پسرت چند سال دارد؟

- 17 سال.

- یعنی دوران بحران

در خلال سخنانم جریانی را که دوستم برایم تعریف کرده بود را برایش توضیح دادم و از خطرات این وسیله ی لعنتی مخصوصاً برای جوانان در این سن و سال برایش گفتم. خوشبختانه سخنانم مؤثر واقع شد و وعده داد؛ به خاطر این که پسرش را در دزدکی نگاه‌کردن به همسایه‌ها یاری نکرده باشد، آن را به او نخواهد داد. چرا که این کار موجب انحراف جنسی و اخلاقی و دینی او خواهد شد.

و از خیانت‌های بزرگ که می‌توان از آن اسم برد؛ این است که کسی در غیاب همسایه اش در سفر یا کار؛ فرصت را غنیمت شمرده؛ وارد خانه‌ی همسایه اش شده و موجبات فساد و آلودگی خانواده اش را فراهم سازد. و خطرناک‌تر از این؛ عمل کسانی است که با کمال اطمینان به دختران‌شان اجازه می‌دهند که به تنهایی در یک اطاق مستقل به همراه معلم خصوصی بنشینند. حالا این کلاس چه در منزل باشد یا در خارج منزل؛ چون معلم جوان است محصل نیز جوان و در اندرون آنها احساس سرکش وجود دارد که از آن به میل جنسی تعبیر می‌شود و در این میان شیطان نیز حضور فعال دارد. با دقت می‌نگرد و می‌بیند که میان این دو جوان چه می‌گذرد. و این همان چیزی است که پیامبر خدا ρ آن را تذکر داده و فرموده است: «**لاَ يَخْلُوَنَّ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ إِلاَّ كَانَ ثَالِثَهُمَا الشَّيْطَانُ**».

ترجمه: «هیچگاه مردی با زنی (بیگانه) خلوت نمی‌کند، مگر این که سومین آنها شیطان خواهد بود».

راست فرمودی ای رسول خدا ρ به راستی شیطان از طریق ورود به جریان خـون نیـز در انسان نفوذ کرده بر او تأثیر می‌گذارد.

و از رسوم و عادات ناروا این است که فرزندان مخصوصاً دختران بـه بهانـه‌ی گفتگـو بـا دختر همسایه یا یکی از دوستان از منزل خارج شده و یـا در مراسـم و مجالسـی مثـل جشـن تولد حضور می‌یابند و ممکن است در آنجا مسائل ناروا و زشتی روی دهد کـه حـداقل آن نشسـتن دختـران جـوان جهـت تماشـای برنامـه‌هـای ویـدیوئی و دیـدن فـیلم‌هـای مبتـذل و نارواست.

پس ای مسئول و سرپرست خانواده، کجـایی؟ عقـل و مردانگـی و غیرتـت کجـا رفتـه؟ بی‌توجهی و کم‌مسئولیتی به جایی رسیده که شرم و حیا از دختران رخت بـر بسـته اسـت. و پسران بی‌باکانه و بی‌هیچ مانعی در میادین فساد سیر می‌کنند.

چگونه کورکورانه به دختر و پسرت اعتماد می‌کنی که آزادانـه از منـزل خـارج شـده و موجب بی‌آبرویی و شرمساری گردند؟ هرچه سریع‌تر بجُنـب و جلـو ایـن روش و برنامـه را بگیر، چون فرصت به سرعت از دست می‌رود، و ضمناً پس از سپری‌شدن فرصـت‌هـا دیگـر پشیمانی سودی نـدارد و بـاز روی سـخن مـا بـا آن کسـانی اسـت کـه دزدکـی بـه منـازل و خانه‌های دیگران نگاه می‌کنند. حالا این نگاه فرق نمی‌کند، چه از پایین به بـالا باشـد؛ یـا از طبقات بالا به پایین یا از پنجره و لابلای درهای ورودی.

این افراد گناهکار که به حریم دیگران متعرض شده اند، گوش فرا دهند که پیامبر گرامی ρ فرموده: «**وَاللَّهِ لاَ يُؤْمِنُ، وَاللَّهِ لاَ يُؤْمِنُ، وَاللَّهِ لاَ يُؤْمِنُ، قِيلَ: مَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الَّذِى لاَ يَأْمَنُ جَارُهُ بَوَايِقَهُ**».

ترجمه: «به خدا سوگند ایمان ندارد؛ به خدا سوگند ایمان ندارد؛ به خـدا سـوگند ایمـان ندارد. گفته شد: چه کسی ای رسولِ خدا ρ؟ فرمود: کسی که همسایه اش از دسـتش ایمـن

نباشد. یعنی از شرّش در امان نباشد. آیا چیزی بدتر از آبروریزی افراد چیزی وجود دارد و یا این که دزدکی به عورات‌شان نگریسته شود وب رای شنیدن اسرارشان در گوشی ایستاد؟

این قبیل کجایند تا ببینند و بشنوند که پیامبر ρ فرمود: «**مَنْ مَلأ عَيْنَيهِ مِنَ الْحَرَامِ مَلأ الله تَعَالَى يَومَ القِيَامَةِ عَيْنَيهِ مِنَ النّار**»

ترجمه: «کسی که چشم‌هایش از حرام پر شود، خداوند در روز قیامت چشم‌هایش را از آتش پر خواهد نمود».

و نیز فرمود: «**مَنِ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ صُبَّ فِي أُذُنِهَ الآنُكُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ**».

ترجمه: «کسی که به حرف دیگران گوش می‌دهد؛ در حالی که از این کار او بدشان می‌آید، خداوند در روز قیامت گوش‌هایش را از سرب مذاب پر می‌کند».

پس در این دو حدیث بنگر: در یکی چشمی را که می‌بیند، از آتش جهنم پر می‌شود و در دیگری گوشی را که می‌شنود از سر مذاب پر می‌شود. و این سزای چنین افرادی در روز قیامت است. ولی در مورد جزای‌شان در این دنیا؛ ای کسی که مرتکب این قبیل گناهان شده‌ای بنگر و گوش فرا ده، پیامبر ρ این صنف از انسان‌ها را که گویی بویی از انسانیت نبرده اند، خطاب قرار داده و می‌فرماید: «**يَا مَعْشَرَ مَنْ آمَنَ بلِسَانِهِ وَلَم يَدْخُلِ الإِيمانُ قَلْبَهُ: لاَ تَغْتَابُوا الْمُسْلِمينَ وَلاَ تَتبَّعُوا عَوْرَاتِهِم فإِنَّ مَنِ تَتَبَّعَ عَوْرَاتِهِمْ تَتَبَّعَ اللهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ يَتَتَبَّعِ اللهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ في عُقْرِ بَيْتِهِ**».

ترجمه: ای گروهی که فقط با زبان ایمان آورده اید، ولی ایمان وارد قلبش نشده است؛ پشت سر مسلمانان غیبت نکنید، و عیب‌هایشان را جستجو نکنید. به راستی کسی که عیب‌های دیگران را جستجو کند خداوند عیب‌هایش را جستجو خواهد کرد و کسی که خداوند عیب‌هایش را جستجو کند در میان خوانده اش خوار و رسوا می‌شود».

اکنون اختیا با توست. هرکاری که دلت خواست بکن، اگر امروز تو نگاه می کنی و می‌بینی تجسس می کنی و دزدکی به محرمات دیگران نگاه می کنی، فردا نیز این رفتار با تو خواهد شد تو به زنان مردم و عورت‌شان نگاه می کنی، پس کسی پیدا خواهد شد که به

مادر و خواهر و دختر و همسر و محارمت با دیده‌ی بی‌احترامی بنگرد و اینچنین خداوند تـو را خوار و رسوا می‌کند. پس جز از جنس عمل است.

حضرت امام شافعی τ در این خصوص چه زیبا فرموده اند که

عفــوا تعــف نســاءكم فــي المحــرم

وتجتنبـــوا مـــا لا يليـــق بمســـلم

مــن يزنــي فــي بيــت بــالفي درهــم

فـــي بيتـــه يزنـــي بغيـــر درهـــم

ان الزنـــــــادين ان أقرضـــــــته

كــان الوفــاء مــن أهــل بيتــك فــاعلم

يــا هاتكــا ســتر الرجــال وقاطعــا

ســبل المــوده عشــت غيــر مكــرم

لــو كنــت حــراً مــن ســلاله طــاهر

مــا فعلــت مــا لا يليــق بمســلم

ترجمه: «پاکدامن باشید تا زنان‌تان از محرمات پاک باشند

کسی که در خانه‌ای باپرداخت دو هزار درهم زنا می‌کند

(کسی) در منزلش (با همسرش) بدون درهم و مجانی زنا می‌کند

زنا، قرض است اگر آن را بگیری

بدان که اهل منزلت آن را پرداخت خواهند نمود

ای کسـی کـه هتـک‌کننـده‌ی حرمـت مـردان هسـتی و قطع‌کننـده‌ی راه‌هـای محبـت ناجوانمردانه زندگی کردی.

اگر جوانمرد بودی و از نسلی پاک

آنچـــــه در شـــــان یـــــک مســـــلمان نیســـــت انجـــــام نـــــدادی».

اهداف موضوع

1- هرگاه کودکان به سن بلوغ رسیدند، لازم است آداب استئذان را به آنان یاد بدهیم:

الف: اجازه‌خواستن قبل از سلام.

ب: سه مرتبه اجازه‌خواستن.

ج: بر محارم نیز باید اجازه بگیرند.

د: اجازه‌گرفتن بر زنان و نابینایان نیز واجب است.

هـ: نباید به طور مستقیم و روبروی در ایستاد، بلکه باید به طرف چپ یا راست متمایل شد.

و: کسی که بدون اجازه به منزل دیگری می‌نگرد و از اسرار درون منزل آگاه می‌شود، اگر در حین نگاه‌کردن چشم را کور کنند، چشمش هدر رفته است.

ز: کسانی که دزدکی به منزل دیگران می‌نگرند در دنیا و آخرت خوار و رسوا خواهند شد.

ح: سرپرست خانه نباید به فرزندانش اجازه دهد که برای کارهای ناشایست از منزل بیرون روند.

ط: هیچ مرد و زنی باهم به خلوت نمی‌نشینند مگر این که سومین آنها شیطان است.

ی: جزا از جنس عمل است.

حسن ختام

حدیث قدسی

یا ابن آدم:

«**جعلت لك قرارا بطن أمك، وغشيت وجهك بغشاء كي لا تفزع من الرحم وجعلت وجهلك إلى ظهر أمك لكي لا تؤذيك رائحة الطعام وجعلت لك متكئا عن يمينك وهو كبد، متكئا على يسارك وهو الطحال وعلمتك القيام والقعود في بطن أمك فهل يقدر على ذلك أحد غيري؟**»

«**فلما أن تمت مدة حملك أوحيت إلى الملك الموكل بالأرحام أن يخرجك فأخرجك على ريشة من جناحه، لا لك سن تقطع بها ولا يد تبطش بها ولا قدم تسعي عليها انبت لك عرقين رقيقين في صدر أمك**»

«**ينبعان لك لبناً خالصاً حاراً في الشتاء؛ بارداً في الصيف، والقيت محبتك في قلب والديك؛ فلا يشعبان حتى تشبع ولا يرقدان حتى ترقد**»

«**فلما قوي ظهرك واشتد أزرك بازرتني بالمعاصي واعتمدت على المخلوقين**»

«**ولم تعتمد علی وتستر ممن يراك وبازرتني بالمعاصي في خلوتك ولم تستحي مني ومع هذا ان دعوتني أجبتك؛ وأن سألتني أعطيتك، وأن تبت إلى قبلتك**»

ترجمه: «ای بنی آدم! تو را در شکم مادرت قرار دادم؛ با پوششی چهره‌ات را پوشانیدم تا در رحم مادرت بی‌تابی نکنی. صورتت را رو به پشت مادرت قرار دادم تا بوی غذا تو را اذیت نکند. در سمت راستت متکایی قرار دادم که کبد است و در طرف چپت متکایی که طحال است. قیام وقعود را به تو یاد دادم، در حالی که هنوز در شکم مادرت بودی. پس چه کسی به جز من قادر به این چنین کاری است؟ هرگاه مدت حمل مادرت تمام شد به ملائکه‌ی مأمور رحم‌ها وحی کردم تو را خارج سازد. پس تو را بر روی پری از پرهایش خارج ساخت. نه دندانی داشتی که با آن چیزی را قطع کنی و نه دستی داشتی که با آن کاری انجام دهی و نیز پایی نداشتی که با آن راه بروی. دو عرق رقیق را از سینه‌ی مادرت برایت جوشاندم. و شیری خالص که در زمستان گرم و در تابستان سرد است؛ از آن برای تو

سرچشمه می‌گیرد. محبت تو را در دل پدر و مادرت قرار دادم؛ تا تو را سیر نکنند خودشان سیر نخواهند خورد، تا تو را نخوابانند نخواهند خوابید. پس آنگاه که استخوان کمرت قوی شد و تنومند گشتی؛ شروع به نافرمانی من می‌کنی؛ به مخلوقات اعتماد می‌کنی، ولی به من بی‌اعتماد هستی. کارهای ناشایست را از دیگران پنهان می‌کنی، ولی جلو چشم من آشکارا در خلوت گناه می‌کنی و شرم هم نمی‌کنی. با این وصف؛ اگر مرا بخوانی تو را اجابت می‌کنم؛ اگر از من بخواهی به تو می‌بخشم و اگر توبه کنی توبه‌ات را می‌پذیرم».

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ

پایان ترجمه 21 / 5 / 1382

شهرستان سقّز

مراجع

ش	نام کتاب	مؤلف
1	فی ظلال القرآن	سید قطب (رحمه الله)
2	الجامع لأحکام القرآن	قرطبی
3	تفسیر القرآن العظیم	ابن کثیر
4	روائع البیان	محمد علی صابونی
5	شرح الصدور لتفسیر سوره النور	شیخ محمد مصطفی ابوالعلاء
6	کتاب الکبائر	امام الحافظ الذهبی
7	محرمات استهان بها الناس	محمد صالح المنجد